

تحولات تروریسم بین‌الملل پس از جنگ سرد و ارزیابی اقدام‌های سازمان ملل متحد برای مقابله با آن

بهاره سازمند^۱

دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مریم اسلامی یزدی

کارشناس ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۷- تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۲/۹)

چکیده

هدف اصلی مقاله، بررسی اقدام‌های سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم بین‌المللی با توجه به تحولات پس از جنگ سرد است؛ بنابراین در این مقاله با روشی توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شده است که سازمان ملل متحد چه اقدام‌های عملی مؤثری برای مقابله با تروریسم بین‌المللی انجام داده و آیا در این زمینه موفق بوده است یا خیر. به منظور پاسخ به این پرسش، مطالب به چهار مبحث تقسیم شده است. در مبحث نخست، تحولات تروریسم پس از جنگ سرد و ویژگی‌های جدید آن بررسی شده است. در مبحث دوم، اقدام‌های سازمان ملل متحد برای برخورد و مقابله با آن تحولات بیان شده و در مبحث سوم، موفقیت یا ناکامی این اقدام‌ها بررسی شده است. مبحث چهارم نیز به چالش‌های پیش روی سازمان ملل در زمینه مقابله با تروریسم اختصاص یافته است.

واژگان کلیدی

اقدام‌های سازمان ملل متحد، تحولات تروریسم، تروریسم بین‌المللی، شورای امنیت، مجمع عمومی

مقدمه

تروریسم پدیده تازه‌ای نیست بلکه تاریخ آکنده از اقدام‌های تروریستی است که جان بی‌گناهان بی‌شماری را گرفته یا زندگی آنها را به‌خطر انداخته، افراد بشر را از حقوق و آزادی‌های اساسی آنها محروم ساخته، مناسبات دوستانه میان دولت‌ها را در معرض خطر قرار داده و تمامیت ارضی و امنیت دولت‌ها را به‌مخاطره افکنده است. در گذشته، دولت‌ها موضوع تروریسم را به‌صورت موضوعی بومی و ملی ارزیابی می‌کردند؛ اما شرایط جدید در عصر کنونی، موضوع تروریسم را به پدیده‌ای بین‌المللی و فرامرزی تبدیل کرده است. امروزه تروریسم، تهدیدی جهانی شده است که روابط بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده، صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند. با توجه به ماهیت جهانی این مسئله، اقدام‌های همه‌جانبه و مشارکت تمام دولت‌ها در مبارزه با تروریسم بین‌المللی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و مناسب‌ترین مکان برای همکاری علیه آن، سازمان ملل متحد است.

اصطلاح «تروریسم نو» پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ متداول شده و محور پژوهش‌های تروریسم را تشکیل داده است؛ اما قدمت کاربرد این اصطلاح به سال‌های پایانی جنگ سرد باز می‌گردد (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۵۲). بنابراین، آنچه از آن با عنوان تروریسم جدید یا نوین یاد می‌شود، نشانه‌ها و علائم آن به تدریج از پایان جنگ سرد نمایان می‌شود تا اینکه در حادثه ۱۱ سپتامبر به‌اوج خود می‌رسد. به‌همین دلیل است که پژوهشگران و نویسندگان پژوهش‌های تروریسم، برای شناخت و بررسی تحولات جدید در تروریسم بین‌المللی، به این مقطع زمانی توجه می‌کنند. در این دوران، تروریسم دچار تحولاتی شده که آن را از نوع قدیمی‌تر آن متمایز کرده است. در این مقاله، ابتدا به بررسی این تحولات خواهیم پرداخت.

تحولات تروریسم بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد

در این زمان، تروریسم از محدوده مرزهای ملی فراتر رفت و دیگر معضلی داخلی محسوب نمی‌شد؛ بلکه به‌علت درگیر شدن چند دولت، به مسئله‌ای بین‌المللی تبدیل شده بود. بین‌المللی شدن و گستره جهانی یافتن معضل تروریسم، جامعه جهانی را به این نتیجه رسانید که مقابله با تروریسم تنها از راه همکاری بین‌المللی میسر است و تلاش دولت‌ها به‌تنهایی کارساز و مؤثر نیست.

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از مهم‌ترین اهداف منشور ملل متحد است. بر اساس ماده ۲۴ منشور ملل متحد، شورای امنیت مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد (Charter of United Nation: Article 24). در طول جنگ سرد، شورای امنیت، به دلایل گوناگونی از جمله رقابت و منازعه خاص دوران دوقطبی و در نتیجه، وتوهای پیاپی (۲۷۹)

مورد(شایگان، ۱۳۸۱: ۲۱)، از تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی در حل بحران‌های بین‌المللی بازمانده بود؛ اما با پایان جنگ سرد، شورای امنیت، جایگاه خود، یعنی حافظ اصلی صلح و امنیت بین‌المللی بودن، را بازیافت.

«شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز کرده و توصیه‌هایی خواهد کرد یا تصمیم خواهد گرفت که چه اقدام‌هایی مطابق ماده ۴۱ یا ۴۲ برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی باید صورت گیرد» (Charter of United Nation, Article 39)؛ بر اساس این ماده، احراز و تشخیص تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز منحصراً برعهده شورای امنیت است.

احراز هریک از این سه وضعیت، شورای امنیت را مجاز می‌کند که از تدابیر اجرایی مسالمت‌آمیز بر اساس ماده ۴۱ یا اقدام‌های قهرآمیز بر اساس ماده ۴۲، برای حفظ یا اعاده صلح یا توقف تجاوز بهره‌گیرد. این شرط برای حمایت از دولت‌های عضو در مقابل اقدام خودسرانه شورای امنیت است.

اما در هیچ کجای منشور، تعریفی از «صلح» یا «تهدید علیه صلح بین‌المللی» بیان نشده است. عدم به‌دست دادن تعریف، از یک سو امکان انعطاف و انطباق این سازمان بین‌المللی با شرایط متغیر زمانی را فراهم کرده و از سوی دیگر، این امکان را برای شورای امنیت ایجاد کرده است که با توجه به تحولات جهانی، صلح و امنیت بین‌المللی را معنا کند. تا پایان جنگ سرد، این وضعیت اساساً تهدید نیروی نظامی و نقض تمامیت ارضی بود که تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شد؛ اما پس از پایان جنگ سرد، مفهوم صلح و به تبع آن تهدید علیه صلح، در پرتو واقعیت‌های جدید، گسترش بی‌سابقه‌ای یافت. پیشرفت‌های اقتصادی و فناورانه، دسته‌ای از مسائل زیست‌محیطی و بی‌ثباتی، افزایش فقر و پناهندگی، تهدیدهای دیگری با ماهیت غیرنظامی علیه بقای انسان به وجود آورده است؛ به طوری که با پایان جنگ سرد، سازمان ملل متحد گاهی خود را با مناقشه‌های داخلی کشورها مواجه می‌بیند که غالباً با پیامدهای جدی بین‌المللی همراه است (کوفی عنان، دستور کار شماره ۱۶۸ اجلاس ۵۱ مجمع عمومی، بند ۱۰۴).

بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد، حیطة صلاحیت این سازمان را تا آنجا می‌داند که در اموری وارد نشود که ذاتاً در صلاحیت داخلی دولت‌هاست و اقدام‌های اجرایی یا قهری شورای امنیت را خارج از شمول این منع قرار می‌دهد (Charter of the United Nations Article 2(7)). مداخله استثنایی شورای امنیت از راه اتخاذ اقدامی اجرایی در مواردی که اساساً در صلاحیت داخلی دولت است، تنها پس از احراز وجود تهدید صلح، نقض صلح و عمل تجاوز امکان‌پذیر است.

شرح مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی به‌وضوح در بیانیه پایانی نخستین نشست سران شورای امنیت در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ انعکاس یافته است؛ سران شورای امنیت با آگاهی از وضعیت جدید پس از جنگ سرد اعلام کردند که از این پس، صرف «عدم جنگ و منازعه بین دولت‌ها تضمین‌کننده صلح و امنیت بین‌المللی نیست...»، بلکه منابع تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی امروزه بسیار متنوع شده است (UN Doc. S/PV. 3046, 1992: 143).

حین چنین تحولاتی بود که «تروریسم بین‌الملل» نیز به‌مثابه تهدیدهایی نو علیه صلح و امنیت بین‌المللی، در شورای امنیت مطرح شد. ارتقای جایگاه تروریسم بین‌المللی به تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی از یک طرف نمود روشنی از فرایند توسعه مفهوم صلح در دوران پس از جنگ سرد و از سوی دیگر نشانه اهمیت و بزرگی تهدید تروریسم بین‌المللی در نظر جامعه بین‌المللی معاصر است.

در این دوران، در مقایسه با دوران جنگ سرد، جامعه بین‌المللی موضع هماهنگ‌تری علیه تروریسم بین‌المللی اتخاذ کرده که نتیجه تغییر شرایط نظام بین‌المللی و همچنین تغییر نگرش عموم دولت‌ها نسبت به نوع و اهمیت تهدید تروریسم بوده است. رویکرد نو جامعه بین‌المللی برای مقابله با تروریسم، به‌خوبی در اعلامیه ۱۹۹۴ مجمع عمومی نمایان است.

این اعلامیه مواردی را مطرح کرده که نشان‌دهنده نوع نگرش نو جامعه بین‌الملل به تروریسم بین‌المللی پس از جنگ سرد است؛ برای مثال در مقدمه، نسبت به افزایش اقدام‌های تروریستی در سطح جهان که محصول نابردباری و افراط‌گرایی^۱ است، اظهار نگرانی شده است (3) (Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism, para 3)؛ در حالی که تا پیش از این، استعمار، نژادپرستی، اشغال یا سلطه خارجی، بدبختی، یأس، فقر و نقض گسترده حقوق و آزادی‌های اساسی بشر، ریشه‌های تروریسم دانسته می‌شد.

در بند ۲ بخش اول این اعلامیه تصریح شده است: «تمام اقدام‌ها، روش‌ها و اعمال تروریسم بین‌الملل، نقض شدید اهداف و اصول منشور ملل متحد محسوب می‌شود که ممکن است تهدیدی را متوجه صلح و امنیت بین‌الملل کند، روابط دوستانه بین دولت‌ها را مختل کند، مانع همکاری بین‌المللی شود و سبب تضییع حقوق و آزادی‌های اساسی بشر و مبانی دموکراتیک جوامع شود» (Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism, Article 2).

شناسایی تروریسم بین‌المللی به‌مثابه «تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی» از مهم‌ترین نوآوری‌های این اعلامیه است.

در بند ۸ مقدمه این اعلامیه تأکید شده است که «... سرکوب اقدام‌های تروریسم بین‌الملل،

از جمله آن اعمال تروریستی که دولت‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آنها مشارکت دارند، عنصری اساسی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است» (Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism, preamble part, para 8). به این ترتیب جامعه بین‌المللی، برای نخستین بار به‌اجماع، تروریسم بین‌المللی را فارغ از انگیزه و هویت یا هدف عاملان آن، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تشخیص داد. گرچه احراز مصداق‌های تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی بر اساس ماده ۳۹ منشور ملل متحد از اختیارات شورای امنیت است، صحنه گذاشتن مجمع عمومی بر آن موجب می‌شود شورای امنیت با قدرت بیشتر و پشتوانه محکم‌تری به مقابله با تروریسم بپردازد. البته آنچه در بند ۸ مقدمه اعلامیه ۱۹۹۴ ذکر شده است، پیش‌تر در بند ۵ قطعنامه ۷۳۳ (SC.Res 733, preamble part, para 5)، بند ۴ مقدمه قطعنامه ۷۴۸ (SC.Res 748, preamble part, para 4) و بند ۲ مقدمه قطعنامه ۷۳۱ (SC.Res 731, preamble part, para 2) شورای امنیت نیز قید شده بود. بنابراین، این اعلامیه مهر تأییدی بر اقدام شورای امنیت در شناسایی تروریسم بین‌المللی به‌مثابه تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی است.

ویژگی‌های جدید تروریسم بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد

عده‌ای از تحلیلگران بر این باورند که از دهه ۱۹۹۰، تروریسم به‌سمت شکل جدیدی تغییر جهت داده که منجر به یافتن خصوصیات نوی شده است. به‌نظر می‌رسد تروریسم پس از جنگ سرد دارای بازیگران، انگیزه‌ها، اهداف و روش‌های جدیدی است که با نوع قدیمی‌تر تروریسم تفاوت دارد؛ تروریسمی که در میانه قرن بیستم در جریان بود. در این دوران، تحولاتی در مفهوم تروریسم به‌وجود آمده است. گسترش استفاده از فناوری‌های نو از جمله سلاح‌های کشتار جمعی، ساختار سازمانی متفاوت، فراملی بودن و عدم نیاز به حمایت از جانب دولت‌ها و استفاده ابزاری از مذهب از ویژگی‌های تروریسم دوران پس از جنگ سرد است که آن را از نوع پیشین آن متفاوت کرده است.

گسترش استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی

در دوران پس از جنگ سرد، احتمال دستیابی گروه‌های تروریستی به تسلیحات غیرمتعارف، از جمله تسلیحات کشتار جمعی نظیر سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک و هسته‌ای، افزایش یافته که نشان‌دهنده تبدیل تروریسم بین‌الملل به یکی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیتی بین‌المللی است. نخستین بار در دهه ۱۹۹۰، تروریست‌ها برای نیل به اهداف خود از سلاح‌ها و مواد شیمیایی علیه جمعیت غیرنظامی استفاده کردند؛ هرچند سابقه تولید و بهره‌برداری از آن به دهه‌های پیش باز می‌گردد. در طول جنگ جهانی اول، طرف‌های متخاصم به‌طور گسترده از

تسلیحات شیمیایی استفاده کردند و نیز در طول جنگ سرد، هر دو ابرقدرت انبار عظیمی از سلاح‌های شیمیایی تولید و انبار کردند. کشورهای دیگر هم به‌علت هزینه کم و تأثیر زیاد بازدارندگی این سلاح‌ها در آن زمان، تمایل زیادی به توسعه این سلاح‌ها داشتند. یکی از دلایل گرایش تروریست‌ها به سلاح‌های شیمیایی، ارزان بودن و سادگی تهیه آنهاست. از سوی دیگر، استفاده از آنها، برخلاف سلاح‌های دیگر، راحت‌تر است، همچنین قدرت وحشت‌زایی مواد شیمیایی بسیار زیاد است و امکان ردیابی و کشف آن تا پیش از استفاده، به‌علت بی‌رنگ‌وبویی دشوار است. به همین دلایل، امکان استفاده تروریست‌ها از مواد شیمیایی در مقایسه با سلاح‌های هسته‌ای و بیولوژیک بسیار زیاد است (احتشامی، ۱۳۸۶: ۱۶۴).

استفاده از سلاح‌های بیولوژیک و انواع میکروب‌ها و پخش آنها در میان مراکز جمعیتی با استفاده از ابزارهای گوناگون به‌منظور تضعیف روحیه طرف مقابل و ایجاد تلفات فراوان، از دیگر سلاح‌های غیرمعارف است (۱۳۸۹: ۱۰۷). استفاده از مواد بیولوژیک به آسانی استفاده از سلاح‌های شیمیایی نیست و از آنجا که میکروب‌ها در شرایط امنیتی در آزمایشگاه‌های خاصی نگهداری می‌شود، امکان دسترسی به آنها دشوار است، در عین حال، به‌علت قدرت تکثیر بسیار زیاد میکروب‌های بیماری‌زا و آلوده کردن منطقه‌ای وسیع در مدتی اندک، بسیار خطرناک‌تر از مواد شیمیایی است؛ به‌ویژه آنکه مقابله با آنها در صورت شیوع نیز بسیار دشوار است (بلوچی و سنبلی، ۱۳۸۱: ۱۵۶).

احتمال استفاده تروریست‌ها از سلاح‌های هسته‌ای، در دوران جنگ سرد مطرح شد. صاحب‌نظران و دولتمردان غربی از این بیمناک بودند که «در صورتی که تروریست‌ها با سلاح اتم، جمعیت عظیمی را به گروگان بگیرند، بی‌شک دولت‌ها مجبور به تسلیم و مذاکره خواهند بود» (بلوچی، ۱۳۸۱: ۷۴۲)؛ اما به این تهدید در دوران پس از جنگ سرد نیز توجه خاصی شد. هرچند با توجه به سامانه حفاظتی پیچیده و بسیار پیشرفته، امکان دستیابی گروه‌های تروریستی به این سلاح‌ها بسیار دشوار است، سه راه احتمالی دستیابی گروه‌های تروریستی به سلاح‌های هسته‌ای، سرقت، تولید یا خریداری بمب اتمی یا مواد اولیه برای ساخت آن است. عده‌ای از نویسندگان ادعا می‌کنند که گروه‌های تروریستی ممکن است مانع تکنیکی در راه اکتساب سلاح‌های هسته‌ای، یعنی عدم دسترسی به مقدار کافی مواد قابل شکافت (اورانیوم غنی‌شده یا پلوتونیوم) را از راه سرقت یا خریداری این مواد رفع کنند. آنها ممکن است این مواد را از بازار سیاه خریداری کرده یا از دولت‌های حامی تروریسم دریافت کنند. همچنین، امکان خرابکاری در رآکتورهای اتمی و انتشار مواد رادیواکتیو هم وجود دارد (عالی‌پور، ۱۳۸۵: ۶۰۴).

ساختار متفاوت

ساختار گروه‌ها، هر می‌است؛ به این معنی که اعضای آن در قاعدهٔ هرم و گروه مدیریتی یا رئیس در رأس می‌گیرند یا شبکه‌ای است که در آن، کنترل مرکزی بر اعضا وجود ندارد و اعضا به صورت مستقل عمل می‌کنند. چنین ساختاری به گروه‌های کوچک‌تر تشکیل‌دهندهٔ خود اجازه می‌دهد که به تنهایی عمل کنند. گروه‌های تروریستی جدید نیز چنین ساختاری دارند؛ آنها به خواست خود به عضویت شبکه در می‌آیند و می‌توانند در پیرامون خود گروه‌های کوچک‌تری را ایجاد کنند. بنابراین، ضربه زدن به این گروه‌های کوچک سبب از میان رفتن کل شبکه نمی‌شود. ساختار گروه‌های تروریستی جدید، به سختی قابل شناسایی است. در این گروه‌ها، به دلیل جایگزین شدن روابط شخصی به جای روابط سلسله‌مراتبی، بیشتر با عنوان شبکه توصیف می‌شوند (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

تروریست‌های غیرحرفه‌ای و عدم نیاز به حمایت دولتی

در گذشته، تروریسم در قالب گروه‌های سیاسی یا تحت حمایت آنها یا دولت‌های حامی قرار داشت و تروریست‌ها را معمولاً فرماندهی مرکزی واحدی سازمان‌دهی می‌کرد و آموزش‌های خاص می‌داد و آنها ترور را شغل دانسته، برای رسیدن به هدفی مقدس به اعتقاد خودشان- آن را انجام می‌دادند (بیدانی، ۱۳۸۶: ۸۵۸)؛ اما در سال‌های پس از جنگ سرد، مفهوم تروریست حرفه‌ای که در قالب گروه یا سازمان مشخص و تعریف‌شده‌ای فعالیت می‌کند، دچار تغییر است؛ به طوری که تروریست‌های دوران پس از جنگ سرد، عموماً غیرحرفه‌ای‌اند و حداکثر در سازمان‌ها یا گروه‌های شکننده و ضعیف و در دورهٔ زمانی کوتاهی فعالیت می‌کنند. آنها به طور کامل از جامعهٔ خود جدا نمی‌شوند و آموزش‌های خود را بیشتر از راه‌های غیررسمی، از جمله اینترنت به دست می‌آورند. غیرحرفه‌ای بودن اعضای این گروه‌ها سبب عدم نیاز به آموزش زیاد و حمایت‌های لجستیکی می‌شود. گاهی این شبکه‌ها، حمایت‌های لازم را از این گروه‌ها به عمل می‌آورند (بهاری، ۱۳۸۸: ۱۳). به دلیل غیرحرفه‌ای بودن تروریست‌های جدید و داشتن فعالیت‌های روزمره در جامعه، شناسایی آنها نیز سخت‌تر شده است؛ زیرا از یک سو، تا پیش از اقدام به اعمال تروریستی، کسی آنها را نمی‌شناسد و از سوی دیگر، پس از عملیات، از گروه جدا شده، به فعالیت‌های عادی و زندگی روزمرهٔ خود باز می‌گردند.

این تحول به دلیل توسعهٔ فناوری ارتباطات است که افراد همفکر را قادر می‌سازد به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و بدون وجود موانع جغرافیایی به تبادل نظر و برنامه‌ریزی برای اقدام‌های تروریستی بپردازند. این تحول، تروریسم را به شبکه‌ای جهانی تبدیل کرده است.

تروریسم سایبری^۱ و استفاده از فضای مجازی برای اقدام‌های تروریستی

تروریسم سایبری به معنای حمله یا تهدید به حمله به رایانه‌ها، شبکه‌های اینترنتی و اطلاعات ذخیره شده در آنها به منظور ترساندن یا مجبور کردن دولت‌ها یا اتباع آنها و سازمان‌های بین‌المللی، برای پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی است (فلینگ، ۱۳۸۲: ۱۷).

تروریسم سایبری یکی از پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین انواع جرایم اینترنتی بوده، فرایندی است که در آن، مجموعه‌ای از برنامه‌ریزی‌ها و تهدیدها به وسیله اینترنت منجر به آسیب رسیدن به جهان واقعی و تخریب آن و از بین رفتن امنیت روانی و فیزیکی افراد جامعه می‌شود.

به دلیل رشد روزافزون ساختار اقتصادی و خدمات‌رسانی بسیاری از کشورها بر اثر استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، دنیای ما به قدری به دادوستد اطلاعات وابسته شده است که اختلال یا وقفه در آن، چرخ صنعت و زندگی روزمره را از حرکت باز می‌دارد که در این میان، ایجاد خلل در رآکتورهای هسته‌ای، سامانه‌های اطلاعاتی فرودگاه‌ها و پایانه‌ها و تأسیسات عمومی مثل برق، آب و فاضلاب، ممکن است بسیار فاجعه‌آمیز باشد.

تروریسم سایبری حاصل تلاقی تروریسم و فضای مجازی است (Tsfati, 2002: 322). در این روش، تروریست‌ها با هزینه کم و با استفاده از رایانه شخصی متصل به اینترنت، می‌توانند به اقدام‌های تروریستی دست بزنند. همچنین، فضای مجازی این امکان را برای تروریست‌ها فراهم می‌کند که همانند دیگر کاربران اینترنت، با عنوان کاربر مهمان و با استفاده از اسامی مستعار، وارد تارنمای مورد نظرشان شوند و با پنهان‌سازی هویت، دست به اقدام‌های تروریستی بزنند و با این شیوه، امکان ردیابی آنها برای نیروهای پلیس و امنیتی دشوارتر خواهد بود. مزیت دیگری که فضای مجازی، برای تروریست‌ها ایجاد کرده است، امکان هدایت از راه دور است که آموزش فیزیکی، فشار روانی و خطر مرگ کمتری را به همراه دارد.

همچنین، فضای مجازی امکان جدیدی برای تروریست‌ها فراهم کرده است که می‌تواند جایگزین حمایت دولتی شود. تروریست‌ها می‌توانند برای تأمین نیازهای خود از قبیل اعتبارات مالی، آموزش یا پناهگاه امن به این فضا مراجعه کنند و حیات مجازی هدف خود را تهدید یا تخریب کنند (خلیلی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۸۲).

گسترش استفاده از رایانه و شبکه‌های اینترنتی سبب شده است تروریست‌ها با حمله به سامانه‌های رایانه‌ای، با هزینه و خطرپذیری کمتر، به نتایج سریع‌تر، بزرگ‌تر و بادوام‌تری دست یابند.

استفاده ابزاری از مذهب

گسترش فرهنگ جهانی در بخش‌هایی از جهان با مقاومت روبه‌رو شد و موجب کوشش عده‌ای برای مصون نگه‌داشتن فرهنگ خود از تغییر و تحول شد. به‌همین منظور، احیاگرایی دینی به‌وجود آمد و بنیادگرایی مذهبی به مهم‌ترین علت شورش‌های داخلی و تروریسم بین‌المللی در بسیاری از نقاط جهان تبدیل شد. بنیادگرایی نشان‌دهنده حس رو به فزونی تنفر، نارضایتی، اعتراض، سرگردانی و بی‌ثباتی اجتماعی است (مستیمی، ۱۳۸۹: ۳۵۵-۳۳۷).

واژه «بنیادگرایی» سال‌هاست که به‌ویژه در ادبیات سیاسی غرب، مترادف «خشونت و تروریسم ملهم از مذهب» معرفی شده است؛ برای مثال رانس تروپ معتقد است که «بنیادگرایی مذهبی در طول دو دهه اخیر، رنسانسی را از سر گذرانده و تعداد گروه‌های تروریستی که عمدتاً از مذهب الهام گرفته‌اند، افزایش یافته است...» و از سوی دیگر «... خشونت و تروریسم ملهم از مذهب، روزبه‌روز مرگبارتر می‌شود» (1996: 22-31). بخشی از تحول مفهوم «بنیادگرایی» که در اصل به‌معنای «پایبندی به اصول، ریشه‌ها و مبانی» است، نتیجه اقدام‌های گروه‌های متعصبی است که به‌نام «بنیادگرایی و تعصب دینی» به خشونت و ارعاب دست می‌زنند.

هیچ مذهبی را نمی‌توان و نباید منشأ و مشوق تروریسم دانست و به آن متهم کرد. رفتارها و تمایل‌های خشونت‌بار و نابهنجار را می‌توان در برخی پیروان هر مرام و مسلکی مشاهده کرد. مذهب‌های الهی و حتی مسلک‌های غیرالهی، هرگز برای هدایت جامعه بشری، منش‌ها و روش‌های تروریستی را ترویج و تأیید نکرده‌اند. کسانی که با استناد و تمسک به اصول و مبانی دینی، به‌ویژه ادیان الهی، مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند، هم برداشت کژ و ناصوابی از دین دارند و هم موجب وهن دین و مرامی می‌شوند که ادعای پیروی از آن را دارند. اما برخی افراد و گروه‌های قدرتمند و حاکمی در غرب، با هدف مخدوش کردن چهره اسلام، رفتارهای خشونت‌آمیز برخی افراطی‌های به‌ظاهر مسلمان را ناشی از «بنیادگرایی اسلامی» خوانده و تبلیغات وسیعی علیه آن به‌راه انداخته‌اند؛ آنها بنیادگرایی را غالباً در معنای اصطلاحی آن و نه به‌معنای اصلی آن به‌کار می‌برند و آن را منحصر به «بنیادگرایی اسلامی» می‌کنند (قادری، ۱۳۷۰: ۹).

دولت‌های غربی «القاعده» را نمادی از «بنیادگرایی اسلامی» می‌دانند؛ هرچند القاعده با سوء استفاده از اسلام و استفاده ابزاری از دین، ترور را توجیه می‌کند و تروریسم که بخش ذاتی گفتمان القاعده است، به امری مقدس تبدیل شده و در قاموس شهادت و احیای جنگ صلیبی علیه کفار توجیه می‌شود (بزدانی، ۱۳۸۶: ۹۶)، واقعیت این است که دست‌کم بخشی از آنچه «تروریسم اسلامی» نامیده می‌شود، نتیجه عملکرد ایالات متحده و برخی دولت‌های هم‌پیمانانش در طول جنگ سرد بوده است.

تروریسم در دوران پس از جنگ سرد، ابزارها، انگیزه‌ها و رستگاه‌های جدیدی یافته است. بی‌شک در مقایسه با دوران جنگ سرد، تروریسم نه تنها کاهش نیافته، بلکه متنوع شده و در نتیجه، تهدید ناشی از آن فزونی یافته است. تروریسم پس از جنگ سرد بسیار متکثر، متنوع و با اهداف و انگیزه‌های بسیار متفاوت‌تری است.

اقدام‌های سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم

اقدام‌های سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم بین‌المللی، مهم‌ترین همکاری سازمانی برای سرکوبی تروریسم بوده، نشان‌دهنده آگاهی بین‌المللی از اهمیت مبارزه با تروریسم از راه همکاری و اقدام‌های مشترک است. مجمع عمومی و شورای امنیت، دو رکن اساسی سازمان ملل متحدند که به مسئله تروریسم توجه زیادی کرده‌اند. در ادامه این مقاله، به بررسی اقدام‌های انجام‌گرفته این دو رکن می‌پردازیم.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد و مقابله با تروریسم بین‌المللی

مجمع عمومی به دلیل ویژگی‌های ساختاری خود که قدرت لازم برای نفوذ بر حکومت‌ها و دیگر عوامل مؤثر را ندارد، هماهنگ‌کننده مستقیمی برای مبارزه با تروریسم نیست، اما به دلیل موقعیت ویژه بین‌المللی و عضویت تقریباً تمام کشورهای جهان در آن، قادر است هنجارهای بین‌المللی را به وجود آورد یا برخی رویکردهای هنجاری را نامشروع جلوه دهد. مجمع عمومی به اعضا این امکان را می‌دهد تا درباره مسائلی که مهم شمرده می‌شود، به تبادل نظر بپردازند و آنچه را مسائل اصلی تلقی می‌شود، با تفاهم و توافق یکدیگر به‌مثابه مسائل مشترک معرفی کنند.

مجمع عمومی به دو صورت به مسئله تروریسم بین‌المللی پرداخته است: نخست، با طرح یک چارچوب هنجاری که تروریسم را معضلی مشترک تعریف می‌کند و دوم، با تشویق دولت‌ها به اقدام هماهنگ در تصویب قوانین ملی و بین‌المللی مؤثر در زمینه مبارزه با تروریسم بین‌المللی (Nesi, 2006: 115).

تلاش‌های مجمع عمومی به منظور ایجاد چارچوب هنجاری در سه جریان از قطعنامه‌های مربوط به تروریسم انعکاس یافته است و تلاش‌های مجمع عمومی به منظور ترغیب برای اقدام هماهنگ علیه تروریسم به سه شکل بوده است: نخست، تأسیس کمیته‌هایی برای مبارزه با تروریسم؛ دوم، تشویق کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل متحد که صلاحیت در حوزه‌های مرتبط با تروریسم را دارند به منظور تبیین مسئله؛ سوم، درخواست از کشورهای عضو سازمان

ملل متحد برای مبارزه با تروریسم. تا حدود زیادی، نگرش‌ها و رویکردهای سازمان ملل متحد به تروریسم، بر همین اساس شکل گرفته است.

فعالیت‌های ضدتروریستی مجمع عمومی، به چند بخش تقسیم‌پذیر است: بخش نخست قطعنامه‌های این مجمع است که ۶۵ قطعنامه از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۲، در زمینه تروریسم صادر کرده است؛ بخش دیگر، گزارش‌های دبیرکل است؛ به این منظور دبیرکل، هیئت بلندپایه‌ای را مأمور کرده است تا گزارشی درباره مسائل معینی از جمله عملکرد کشورها، مبانی نظری و مشکلات سازمان ملل متحد و چالش‌ها در زمینه تروریسم تهیه کنند. علاوه بر این دو بخش، برخی ارگان‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد به موضوع تروریسم بین‌المللی توجه کرده‌اند یا تروریسم یکی از موضوع‌های مهم کاری آنان به‌شمار می‌آید. در این زمینه، کمیته ششم (کمیته حقوقی) از کمیته‌های شش‌گانه مجمع عمومی، یکی از مهم‌ترین و فعال‌ترین آنهاست. علاوه بر کمیته ششم، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد (شورای حقوق بشر کنونی) نیز به موضوع تروریسم بین‌المللی توجه زیادی کرده است. به‌جز قطعنامه‌های صادرشده و کمیته‌های تشکیل شده در چارچوب مجمع عمومی، کنوانسیون‌های مختلفی نیز در زمینه مبارزه با تروریسم وضع شده است. این کنوانسیون‌ها تأثیر بسیار زیادی بر تعیین مصادیق اقدام‌های تروریستی و ترسیم چارچوب‌های اقدام علیه تروریسم و مبانی حقوقی برخورد با آن داشته است. در بسیاری از قطعنامه‌ها، به دلیل مشکل بودن تعریف تروریسم، کنوانسیون‌های مشخصی مبنای قرار گرفته است و تروریسم و اقدام‌های تروریستی به هر آنچه در این کنوانسیون‌ها آورده شده، مستند شده است.

در حال حاضر، دوازده کنوانسیون بین‌المللی و دو پروتکل^۱ وجود دارد. این کنوانسیون‌ها به جرایم مرتبط با تروریسم نظیر هواپیماربابی، جرایم علیه افراد تحت حمایت بین‌المللی، گروگان‌گیری و بمبگذاری توجه کرده است و مجمع عمومی سازمان ملل متحد و برخی

۱. کنوانسیون جرایم و اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما (۱۹۶۳)، کنوانسیون جلوگیری از تصرف غیرقانونی هواپیما (۱۹۷۰)، کنوانسیون مونترال در زمینه جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هوانوردی غیرنظامی (۱۹۷۱)، کنوانسیون منع و مجازات جرایم علیه اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک (۱۹۷۳)، کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری (۱۹۷۹)، کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای (۱۹۸۰)، پروتکل مونترال برای جلوگیری از اعمال غیرقانونی خشنونت‌آمیز در فرودگاه‌های بین‌المللی غیرنظامی (۱۹۸۸)، کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت دریانوردی (۱۹۸۸)، کنوانسیون علامتگذاری مواد منفجره پلاستیکی با هدف کشف و ردیابی آنها (۱۹۹۱)، کنوانسیون مربوط به امنیت کارکنان سازمان ملل متحد و نیروهای همکار (۱۹۹۴)، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از بمبگذاری (۱۹۹۷)، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از تأمین مالی تروریسم (۲۰۰۰)، پروتکل رم در زمینه جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت سکوها ثابت واقع در فلات قاره (۱۹۸۸)، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از تروریسم هسته‌ای (۲۰۰۵).

مؤسسه‌های تخصصی آن، یعنی سازمان بین‌المللی هوانوردی غیرنظامی^۱ و سازمان بین‌المللی دریانوردی^۲ و همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۳، آنها را تصویب کرده‌اند. با مطالعه و بررسی معاهدات ضد تروریستی، به این نتیجه می‌رسیم که تمام این معاهدات دارای ساختاری مشابه‌اند و در تهیه و تدوین آنها از یک الگو تبعیت شده است. گرچه سند حقوقی واحدی درباره تروریسم وجود ندارد، هریک از کنوانسیون‌های ضد تروریسم، به شکل‌های مختلف به تروریسم توجه کرده‌اند. این معاهدات اعمال تروریستی مختلف را جرم تلقی کرده، از دولت‌های عضو درخواست همکاری برای تعقیب و مجازات مجرمان دارند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد و مقابله با تروریسم بین‌المللی

شورای امنیت تحت تأثیر تحولات بین‌المللی در دهه ۱۹۹۰، به شکلی ویژه به موضوع تروریسم توجه کرد. این توجه خاص، از پنج عامل اصلی تأثیر پذیرفته است: نخست اینکه تعداد حملات تروریستی افزایش یافته بود؛ دوم اینکه تلفات ناشی از حملات تروریستی در اواخر دهه ۱۹۹۰ نسبت به نیمه نخست آن، به مراتب بیشتر شده بود؛ سوم اینکه گروه‌های تروریستی از گروه‌های محلی به گروه‌هایی با شبکه‌های جهانی تبدیل شده بودند؛ چهارم اینکه امکان پیوند میان فناوری و تروریسم برای افزایش قدرت تخریب و رعب‌آفرینی اقدام‌های تروریستی افزایش یافته بود، به ویژه امکان دستیابی تروریست‌ها به سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک و هسته‌ای میسر شده بود؛ و در نهایت آنکه اعلام نگرانی کشورها از جمله اعضای دائم شورای امنیت از فعالیت گروه‌های تروریستی، بسیار بیشتر شده بود (Duyvesteyn, 2007: 442).

شورای امنیت، برخلاف مجمع عمومی، بیش از آنکه در ابعاد هنجاری تروریسم و اقدام‌های تروریستی کار کرده باشد، به اقدام علیه آنچه اقدام‌های تروریستی خوانده می‌شود، پرداخته است. مباحث شورای امنیت در این زمینه عموماً درباره معضل یا مسئله‌ای حادث شده که در چارچوب موضوع تروریسم گنجانده شده و نسبت به آن تصمیم‌گیری شده است و نتایج، عموماً به شکل فشار، تهدید، تحریم، اقدام نظامی و مواردی از این دست خود را نشان داده است.

-
1. International Civil Aviation Organization (ICAO).
 2. International Maritime Organization (IMO).
 3. International Atomic Energy Agency (IAEA).

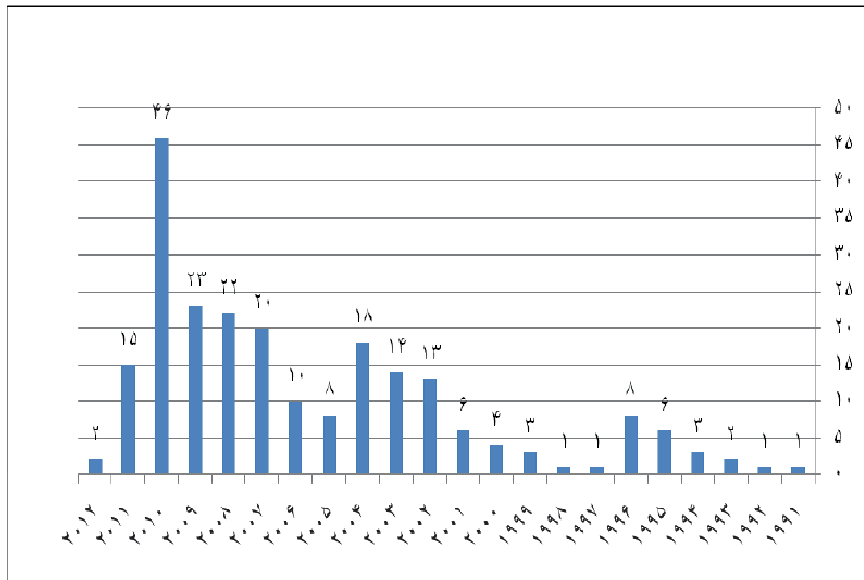
منشأ توجه این رکن از سازمان ملل را به تروریسم باید در وظایفی که منشور ملل متحد برعهده آن نهاده است، جست‌وجو کرد. بر اساس منشور، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌الملل به شورای امنیت واگذار شده است و شورا برای این کار، صلاحیت کلی دارد. با وجود این، در منشور به تروریسم و نحوه مبارزه با آن، به‌طور مستقیم اشاره‌ای نشده است. سکوت منشور ممکن است دلایلی داشته باشد از جمله اینکه به‌هنگام تصویب منشور، اعمال تروریستی ابعاد گسترده‌ای نداشته و به‌همین دلیل، جامعه جهانی به آثار و تبعات آن توجه نکرده بود؛ دوم آنکه در آن دوران، در بیشتر موارد گروه‌هایی به زور و خشونت متوسل می‌شدند که در پی رهایی از استعمار و کسب استقلال بودند، بنابراین اقدام‌های آنان از نوعی مشروعیت بین‌المللی برخوردار بود (Nesi, 2006: 286).

فعالیت‌ها و اقدام‌های شورا در زمینه تروریسم، شامل سه بخش قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و کمیته‌ها می‌شود.

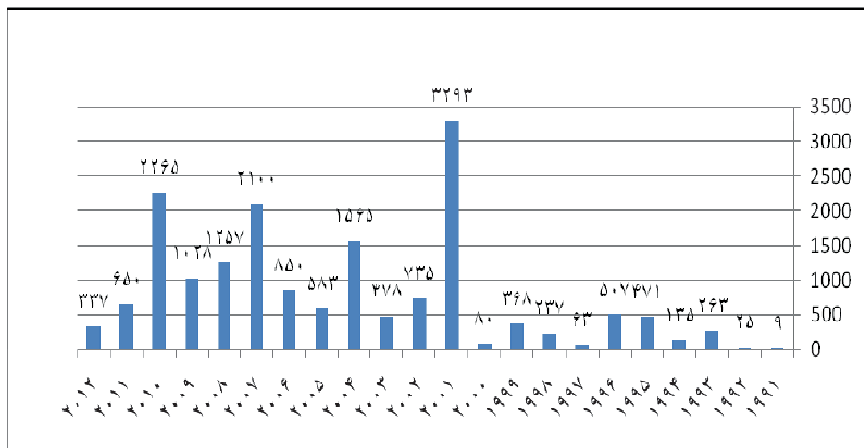
ارزیابی اقدام‌های سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد، سازمانی منحصربه‌فرد در زمینه مبارزه با تروریسم بین‌المللی است و نشان داده است که می‌تواند به‌شکل مؤثری در این زمینه حضور داشته باشد و دارای این شایستگی است که در جایگاهی کلیدی در موضوع تروریسم در قرن بیست‌ویکم، هم در ایجاد سیاست‌های جدید و هم در به‌وجود آمدن عاملی محوری برای تأمین همکاری و هماهنگی‌های بین‌المللی در مقابل تروریسم بین‌المللی مؤثر باشد.

سازمان ملل متحد با اقدام‌هایی که برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی انجام داده است، نشان داده که جایگاه مهمی در ایجاد راهکارهای مبارزه با تروریسم داشته است؛ اما مسئله اینجاست که اقدام‌های تروریستی همچنان ادامه دارد و قربانی می‌گیرد. به استناد اطلاعات گردآوری شده از کمیته ضدتروریسم سازمان ملل متحد (شکل ۲)، در می‌یابیم که فعالیت‌ها و اقدام‌های تروریستی کاهش نیافته، مانند گذشته ادامه دارد و قربانی می‌گیرد. در ادامه این بحث، به دلایل این مسئله خواهیم پرداخت.



شکل ۱. تعداد اقدامات تروریستی بین‌المللی ۱۹۹۱-۲۰۱۲ (منبع: www.un.org/en/sc/ctc)



شکل ۲. عدد کشته‌های حملات تروریستی بین‌المللی در سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۱۲

(منبع: www.un.org/en/sc/ctc)

مشکلات سازمان ملل متحد در مبارزه با تروریسم بین‌المللی

سازمان ملل متحد برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی، با مشکلاتی مواجه است. این مشکلات از پس از جنگ سرد که تروریسم دچار تحولات جدیدی شده، شدت یافته است؛ اما در عین حال انگیزه‌های جدیدی را نیز برای همکاری در مبارزه با تروریسم بین‌المللی به‌وجود آورده

است. این موضوع سبب می‌شود تا سازمان ملل متحد با اشتیاق بیشتری دست به ابداع در مبارزه با تروریسم بین‌المللی بزند. هرچند سازمان ملل متحد توانسته است برخی موانع محدودکننده مبارزه با تروریسم بین‌المللی را از میان بردارد، به نظر می‌رسد که جامعه جهانی هرچه بیشتر در برابر شبکه‌های مدرن تروریستی ضربه‌پذیر شده است و راهکارهای فعلی توانایی کامل برای مواجهه با تروریسم مدرن و توسعه‌یافته را ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این، جوامع گوناگون به‌طور فزاینده‌ای در مقابل تعدادی از حملات تروریستی غیرمتعارف ضربه‌پذیر شده‌اند.

از آنجا که امروزه به‌طور فزاینده‌ای دارایی‌های مالی، اطلاعات و زنجیره‌های حمل‌ونقل در شبکه‌های مستقل قرار دارد، قدرت تخریب تروریسم افزایش یافته و احتمال وقوع حمله‌های بسیار دهشتناک در جوامع مختلف زیاد شده است؛ بنابراین نیاز به طرح راهکارهای جدیدی است تا بتوان با واقعیات تروریسم مدرن مقابله کرد. این امر نیازمند همکاری گسترده شبکه‌های اطلاعاتی و سیاستگذاران در سراسر دنیاست و این در حالی است که تروریست‌ها هرچه بیشتر خریدار خطر گردانند و به‌سختی می‌توان از فعالیت آنها جلوگیری کرد.

هر اندازه تعقیب تروریست‌ها در آن سوی مرزها مشکل‌تر شود، برداشت‌های موجود از حاکمیت ملی و صلاحیت ملی، بیشتر دولت‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. به این ترتیب، ساخت چارچوب مستحکمی برای مقابله با تروریسم، نیازمند همکاری و هماهنگی قانونی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است و سازمان ملل متحد می‌تواند سازمان‌دهنده خوبی در این زمینه باشد.

تروریسم پدیده‌ای انعطاف‌پذیر و به‌طور فزاینده‌ای مرگبار است؛ حتی اگر تعداد عملیات هواپیمارمایی و بمبگذاری در سفارتخانه‌ها کاهش پیدا کرده باشد، این موضوع سبب کاهش قدرت تخریب، قتل و مجروح کردن افراد نشده است. فناوری جدید سبب گسترش آزادی رفت‌وآمد و نقل‌وانتقال اطلاعات از راه اینترنت شده و همه اینها قدرت مانور و آگاهی تروریست‌ها را افزایش داده است (Neumann, 2009: 118). به این ترتیب، تروریسم به تهدیدی پیچیده تبدیل شده است؛ به‌ویژه اینکه هر حمله ممکن است آثار بسیار مخرب و گسترده‌ای در مقایسه با حملات دو دهه گذشته به‌بار آورد. بنابراین، با گذشت زمان ثابت شده است که مسئله تروریسم، دارای راه حل ثابت و ساده‌ای نیست. همه گروه‌هایی که مرتکب عملیات تروریستی می‌شوند، همچنین روش‌هایی که از آنها برای نیل به اهدافشان استفاده می‌کنند، همواره تکامل پیدا کرده که برای مقابله با آنها، روش‌های متقابل و تکاملی نیاز است.

جامعه جهانی و سازمان ملل متحد می‌توانند به‌طور مؤثری از حقوق بین‌الملل برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی استفاده کنند. اگرچه نمی‌توان گفت حقوق بین‌الملل در این زمینه کامل

است، می‌توان برای توسعه و تکامل آن گام برداشت. کنوانسیون‌های مختلفی برای مقابله با تروریسم بین‌المللی تدوین شده است؛ اگرچه این کنوانسیون‌ها در مقام عمل به‌طور کامل موفق نبوده‌اند، چارچوبی قانونی برای مواجهه با تروریسم بین‌المللی فراهم می‌کنند. جامعه جهانی فاقد کنوانسیون ضدتروریستی کامل، جامع و شاملی در حقوق بین‌الملل است؛ اما کنوانسیون‌های کنونی با هم راه را برای اقدام مشترک جامعه بین‌المللی علیه تروریسم فراهم می‌آورند (Weil, 2012: 61).

پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، برخی از کشورها دفاع از خود را بهانه کرده و به کشورهای متهم حمله نظامی کردند؛ اما این‌گونه اعمال بحث‌برانگیز است و پرسش‌های فراوان بدون پاسخی را باقی می‌گذارد.

اگرچه به‌طور تقریبی تمام دولت‌های عضو سازمان ملل متحد از تقویت جایگاه شورای امنیت پس از جنگ سرد حمایت کرده‌اند، تجربه دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که دولت‌های قدرتمند غربی با تفسیر موسع از اصل «دفاع مشروع» در موارد متعدد به اقدام‌های یک‌جانبه نظامی بر ضد گروه‌ها و دولت‌هایی دست زده‌اند که به اعتقاد آنها تروریست یا حامی تروریسم بوده‌اند و در غالب موارد، شورای امنیت به‌مثابه ابزار مشروعیت‌دهنده به اقدام‌ها و مقاصد یک‌جانبه دولت‌های قدرتمند غربی عمل کرده است (Plappert, 2010: 314).

در چنین فضایی، قلمداد کردن تروریسم بین‌المللی به تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی که قاطبه دولت‌ها نیز آن را تأیید کرده‌اند (اعلامیه ۱۹۹۴) و در حالت عادی می‌توانست فرایند مقابله جهانی با این معضل را سرعت و عمق بخشد، ممکن است به ابزار دست دولت‌های قدرتمند غربی برای اعمال فشار بر دولت‌های مخالف خود یا مستقل تبدیل شود.

در شرایط کنونی نظام بین‌الملل که تصمیم‌گیری در قالب شورای امنیت بسیار سهل‌تر از دوران جنگ سرد است، بی‌شک تبدیل شورای امنیت به ابزار مشروعیت‌دهنده سیاست‌های قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه ایالات متحده، امری خطرناک و زیان‌بار برای کشورهای دیگر، به‌خصوص کشورهای خاورمیانه خواهد بود که سیاست‌های بین‌المللی مستقلی در پیش می‌گیرند؛ اما خروج این کشورها از این چارچوب، عواقب بسیار نگران‌کننده و بدتری را در پی خواهد داشت. ایالات متحده، به‌ویژه در ده سال اخیر، به‌انحای مختلف تلاش کرده است فراتر از چارچوب‌های ملل متحد عمل کند. این وضعیت به‌طور خاص در برخورد با تروریسم تجلی یافته است که دولت آمریکا مدعی است اقدام‌های تروریستی علیه این کشور، به‌منزله جنگ با او یا حمله مسلحانه به اوست و در نتیجه بی‌آنکه نیازی به مجوز شورای امنیت داشته باشد، مجاز است به‌طور یک‌جانبه و مطابق اصل دفاع مشروع، به زور متوسل شود.

کشورهای جهان سوم باید با دوراندیشی و حزم فراوان، از یک سو کشورهای بزرگ به ویژه آمریکا را متقاعد به اقدام در چارچوب منشور ملل متحد و شورای امنیت کنند و از سوی دیگر، برای ارتقای جایگاه و تأثیر مجمع عمومی در امر مبارزه با تروریسم بین‌المللی فعالیت کنند.

نتیجه

همان‌طور که در متن مقاله به تفصیل بررسی شد، تا پایان جنگ سرد، تهدید نیروی نظامی و نقض تمامیت ارضی، تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شد؛ اما با پایان جنگ سرد، تهدیدها علیه صلح و امنیت بین‌المللی گسترش یافت. از آن زمان، به تروریسم بین‌المللی به‌عنوان یکی از تهدیدهای جدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی توجه شد. تروریسم در دوره پس از جنگ سرد، از جهات زیادی از جمله ابزار، ساختار و انگیزه تحول یافته و متنوع‌تر و با انگیزه‌های متفاوت‌تر ظاهر شده و در نتیجه، تهدید ناشی از آن نیز افزایش یافته است.

با توجه به اینکه سازمان ملل متحد، سازمانی جهانی است که به‌طور تقریبی همه کشورهای جهان در آن عضویت دارند، در ایجاد همکاری و هماهنگی برای مقابله با تروریسم بین‌المللی بسیار مؤثر بوده و است. در این مقاله، تلاش شد با روشی توصیفی - تحلیلی مهم‌ترین اقدام‌های این سازمان برای مقابله با تروریسم بین‌المللی بررسی شود. نتیجه این بررسی‌ها نشان داد که این سازمان تا کنون اقدام‌های زیادی انجام داده است؛ اما با وجود این، به‌طور تقریبی هر روز در گوشه‌وکنار دنیا، خبر از وقوع اقدامی تروریستی می‌رسد، تروریسم بین‌المللی باز هم قربانی می‌گیرد، دنیا در برابر حمله‌های تروریستی غیرمعارف آسیب‌پذیرتر شده است. روش‌هایی که تروریست‌ها برای رسیدن به اهدافشان استفاده می‌کنند، تغییر کرده است؛ بنابراین روش‌های مقابله نیز باید متناسب با آن تغییر یابد. راهکارهای کنونی توانایی کامل برای مواجهه با تروریسم مدرن و توسعه‌یافته را ایجاد نمی‌کند. نیاز به طرح راهکارهای جدیدی است تا بتوان با واقعیات جدید تروریسم بین‌المللی مقابله کرد. همچنین، با تقویت مجمع عمومی و ارتقای جایگاه آن و قرار دادن ضمانت اجرایی کارآمدتر و محکم‌تر برای مصوبه‌ها و تصمیم‌های آن می‌توان راه مبارزه و سرکوب تروریسم بین‌المللی را هموارتر کرد؛ چون به‌دلیل عضویت بیشتر کشورهای جهان در سطوح مختلف قدرت به‌صورت برابر در این مجمع، تصمیم‌هایی که اتخاذ خواهد شد، دارای بعدی گسترده و جهانی است که رضایت بیشینه کشورهای جهان را به‌همراه دارد و در نتیجه، دارای تأثیرهای جهانی بیشتری خواهد بود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. (۱۳۸۹)، «نگاهی به تهدیدات بالقوه سلاح‌های بیولوژیک کشتار جمعی». سیاحت غرب، ش ۶۸.
۲. احتشامی، ع. (۱۳۸۶)، «تروریسم شیمایی تهدیدی آشکار برای امنیت عمومی». دانش انتظامی. ش ۳۶.
۳. بلوچی، ح.ع. و سنبلی، ن. (۱۳۸۱)، «مسائل مبرم خلع سلاح، اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم». مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. ش ۳۹.
۴. بلوچی، ح.ع. (۱۳۸۱)، «جهانی شدن و بازدارندگی هسته‌ای». سیاست خارجی. ش ۶۳.
۵. بهاری، ب. و بخشی، م. (۱۳۸۸)، «چیستی تروریسم جدید». سیاست خارجی. ش ۲۷.
۶. پورسعید، ف. (۱۳۸۸)، «تحول تروریسم در روابط بین‌الملل». فصلنامه مطالعات راهبردی. س ۱۲. ش ۴ (۴۶).
۷. خلیلی‌پور، ع. و نورعلی‌وندی. (۱۳۹۱)، «تهدیدات سایبری و تأثیر آن بر امنیت ملی». فصلنامه مطالعات راهبردی. س ۱۵. ش ۲ (۵۶).
۸. شایگان، ف. (۱۳۸۱)، «شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی. زیر نظر جمشید ممتاز. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۹. عالی‌پور، ح. (۱۳۸۵)، «تروریسم هسته‌ای». فصلنامه مطالعات راهبردی. ش ۳۳.
۱۰. عنان، ک. دستورکار شماره ۱۶۸ اجلاس ۵۱ مجمع عمومی. ترجمه مرکز اطلاعات سازمان ملل در تهران.
۱۱. فلمینگ، پ. و استول، م. (۱۳۸۲)، «سایر تروریسم: پندارها و واقعیت‌ها در تروریسم». تهران: نشر نی.
۱۲. قادری، س.ع. (۱۳۷۰)، «مفاهیم چگونه و چرا متحول می‌شوند؟». مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۳. مستقیم، ب. و ابراهیمی، ن.ا. (۱۳۸۹)، «مبانی و مفاهیم اسلام سیاسی القاعده». فصلنامه سیاست. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. دوره ۴۰، ش ۳.
۱۴. یزدانی، ع.ا. و خداپنده، م. (۱۳۸۶)، «علل تحول تروریسم در عصر پست‌مدرن». سیاست خارجی، ش ۸۴.
۱۵. یزدانی، ع.ا. و ایزدی، ه. (۱۳۸۶)، «تروریسم اسلامی: افسانه یا واقعیت». فصلنامه دانشگاه باقرالعلوم. ش ۳۹ و ۴۰.

ب) خارجی

16. Charter of the United Nations (26 June 1945).
17. Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism annex to Resolution 49/60 Adopted By The General Assembly (1994).
18. Duyvesteyn, I. (2007), "How New Is The New Terrorism?". Studies in Conflict and Terrorism. Vol. 27. Pp. 419-450.
19. Neumann, p. (2010), New and old terrorism. London: polity.
20. Plappert, S. (2010), In an age of international terrorism, the law on self-defence. grin publisher.
21. Ranstrop, M. (1996), "Terrorism in the name of religion". Journal of International Affairs. New York. Vol. 50. No. 1.
22. SC. Res 731 (21 January 1992).
23. SC. Res 733 (23 January 1992).
24. SC. Res 748 (31 March 1992).
25. Tsfati, Y. and Weimann, G. (2002), "www. Terrorism. com: Terror on the Internet". Studies in Conflict and Terrorism. Vol. 25. No. 5.
26. UN Doc. S/PV. 3046 (31 January 1992).
27. Weil, A. (2012), Terrorism -Disasters (Disasters (Saddleback)). saddleback Educational publishing.
28. www.un.org/en/sc/ctc